Quarterly Journal of "Islamic Economics Studies"

Vol. 17 | Issue 2 | Serial 34 | Winter 2025 | Pages 33-64
Research Paper | Received: 2026/02/09 | Accepted: 2026/07/26
10.30497/ies.2026.249918.2347

The Principle of Monetary Connection and Fluidity: Implications for the design of a desired Islamic Monetary System

Mostafa Kazemi Najafabadi: Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Social Sciences, Research Institute of Hawzah and University, Qom
mostafakazemi@rihu.ac.ir | 0000-0003-2271-2714

Mohsen Omidvar: PhD in Islamic Economics, Research Institute of Hawzah and University, Qom, Iran (Corresponding author)
omidvar@rihu.ac.ir | 0009-0006-3421-2396

Seyed Hadi Arabi: Associate Professor, Department of Economics, Faculty of Economics and Administrative Sciences, University of Qom, Qom, Iran
ashksadeq@yahoo.com | 0000-0003-2457-0529

Abstract

Modern financial crises are fundamentally rooted in the "decoupling of the monetary sector from the real economy" and the unchecked autonomy of financial markets. Adopting an analytic-ijtihadi method with the objective of proposing a stability model for the Islamic economy, this study extracts and explicates the "Principle of Connection and Fluidity" as a foundational framework. According to this principle, money inherently possesses a flow-based nature and must continuously serve to facilitate and drive the real sector; consequently, any form of hoarding (*Kanz*) or trapping liquidity within speculative cycles is strictly prohibited. This principle derives from the synthesis and analysis of two primary jurisprudential rulings:

1. The absolute prohibition of monetary stagnation and hoarding (*Kanz*), which forbids withdrawing money from productive economic circuits.
2. The obligation of Zakat on circulating currencies, which—by imposing a holding cost on idle money—renders non-productive holding yields negative and systematically propels liquidity into circulation.

The findings indicate that the optimal Islamic monetary system operates without an independent, speculative money market. The policy implications of this principle necessitate a paradigm shift for the Central Bank, moving from a passive policymaker to an active "credit flow engineer." Within this framework, the monetary authority is tasked with engineering credit flows through the abolition of the independent money market and the adoption of modern technologies (such as Central Bank Digital Currencies—CBDCs) to monitor real-time transactions. Restrictive measures (including taxes on speculation and idle balances, inspired by Gesell's demurrage concept) alongside affirmative policy tools (directing credit exclusively toward genuine partnership and commercial contracts) serve as operational mechanisms to realize this principle.

Keywords: Money, Production, Speculation, Zakat, Kanz (Hoarding)

JEL Classification: E42,E51,E52,Z12

سال هفدهم | شماره دوم | پیاپی ۳٤ | زمستان ۱٤۰۳ | صفحات ۳۳-٦٤
مقاله پژوهشی | تاریخ دریافت: ۱٤۰٤/۱۱/۲۰| تاریخ پذیرش: ۱٤۰۵/۰۵/۰٤
مقاله مدت ۶۱ روز جهت اصلاحات نزد نویسندگان بوده است.

قاعده ارتباط و سیالیت پول و دلالت‌های آن در طراحی نظام پولی مطلوب اسلام[1]

مصطفی کاظمی نجف‌آبادی: دانشیار، گروه اقتصاد، پژوهشکده علوم اجتماعی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران
mostafakazemi@rihu.ac.ir | 0000-0003-2271-2714
محسن امیدوار: دانش‌آموخته دکتری اقتصاد اسلامی، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران (نویسنده مسئول)
omidvar@alumni.rihu.ac.ir | 0009-0006-3421-2396
سیدهادی عربی: دانشیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه قم، قم، ایران
Sh.arabi@qom.ac.ir | 0000-0003-2457-0529

چکیده

بحران‌های مالی مدرن ریشه در «گسست بخش پولی از بخش حقیقی» و استقلال بازارهای مالی دارد. این پژوهش با روش تحلیلی-اجتهادی و با هدف ارائه الگوی ثبات در اقتصاد اسلامی، «قاعده ارتباط و سیالیت» را به‌عنوان یک اصل زیربنایی استخراج و تبیین می‌کند. بر اساس این قاعده، پول ماهیت جریانی دارد و باید پیوسته در خدمت به گردش درآوردن بخش حقیقی اقتصاد باشد. ازاین‌رو هرگونه انجماد (کنز) یا حبس آن در چرخه‌های سفته‌بازی ممنوع است. قاعده مذکور از ترکیب و تحلیل دو حکم روبنایی فقهی به دست می‌آید.

۱. حرمت مطلق رکود پول (کنز) که هرگونه خارج کردن پول از چرخه مفید اقتصادی را ممنوع می‌سازد.

۲. وجوب زکات بر پول‌های رایج که با وضع هزینه بر پول راکد، بازدهی نگهداری غیرمولد آن را منفی می‌کند و نقدینگی را به‌صورت سیستمی به جریان می‌اندازد.

یافته‌ها بیان‌کننده آن است که نظام پولی مطلوب اسلام، فاقد بازار مستقل پولی است. دلالت‌های سیاستی این قاعده، لزوم گذار بانک مرکزی از جایگاه سیاست‌گذار منفعل به «مهندس جریان اعتبار» را اثبات می‌کند. در این چهارچوب، سیاست‌گذار موظف است با حذف بازار مستقل پول و بهره‌گیری از فناوری‌های نوین[2] (مانند پول دیجیتال بانک مرکزی[3]) جهت رصد تراکنش‌ها، جریان اعتبار را مهندسی کند. اعمال ابزارهای سلبی (مانند مالیات بر سوداگری و پول راکد با الهام از ایده گزل) و ابزارهای ایجابی (تخصیص اعتبار صرفاً به عقود مشارکتی و تجاری واقعی)، راهکارهای عملیاتی برای تحقق این قاعده هستند.

واژگان کلیدی: پول، تولید، سفته‌بازی، زکات، کنز

طبقه‌بندی JEL: E42,E51,E52,Z

---

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری محسن امیدوار در پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با *عنوان استخراج معیارهای پول مطلوب از منظر اقتصاد اسلامی و طراحی نماگرهای آن* است.

1. FinTech
2. CBDC

مقدمه

وقوع بحران‌های مالی مکرر در دهه‌های اخیر، توجه اقتصاددانان را به پیامدهای مخرب «گسست بخش پولی از بخش حقیقی» و پدیده «مالی‌سازی بیش از حد» معطوف کرده است. درحالی‌که اقتصاد جهانی همچنان با چالش حباب‌های ناشی از سفته‌بازی مواجه است، نظام اقتصادی اسلام با تکیه بر ضرورت پیوستگی جریان پول و کالا، چهارچوبی بنیادین برای بازگرداندن ثبات مالی ارائه می‌دهد. برخلاف اقتصاد متعارف که گاه نفس گردش پول را نشانه رونق می‌داند، رویکرد اسلامی قائل به تفکیک میان «گردش معاملاتی» و «گردش سفته‌بازانه» است؛ چنان‌که شواهد تاریخی صدر اسلام نیز نشان‌دهنده سیاست‌گذاری‌هایی است که سرعت گردش پول را تنها در خدمت بخش حقیقی جهت‌دهی می‌کرده است. بنا بر نظر برخی محققان، سرعت گردش پول در زمان پیامبر اکرم (ص)، پیوسته رو به افزایش بوده است که علت آن را محدودیت‌های اسلام بر پول مانند حرمت کنز و ممنوعیت انتفاع از پول بیان می‌کنند (صدر، ۱۳٦۹، صص. ۸-۹). مقصود، سرعت گردش پول در تقاضای معاملاتی است و لزوماً افزایش سرعت از طریق تقاضاهای سفته‌بازانه و سوداگرانه مطلوب نیست، بلکه برعکس، در اسلام برای کاهش تقاضاهای سفته‌بازانه قواعدی مانند نهی از تلقی رکبان وضع شده است. همچنین، امیرالمؤمنین (ع) از بیع صرف توسط اهل ذمه در ولایت اهواز منع کرد (صدر، ۱۳٦۹، ص. ۱۳). علامه فقید، جعفر مرتضی عاملی می‌گوید علت این بوده است که بر شریان‌های اقتصادی جامعه اسلامی تسلط پیدا نکنند (مرتضی عاملی، ۱٤۰۸ق، صص. ٤۳-٤٤)؛ البته اصل روایت در *دعائم‌الاسلام* است و آنجا توضیح داده شده که به‌خاطر آلودگی اهل کتاب به ربا، این نهی انجام شده است (ابن حیون، ۱۳۸۵، ج۲، صص. ۳۷-۳۸). طبعاً این حکم حضرت، تصرف در منطقه‌الفراغ[1] بوده و بر اساس اهداف دین یا قواعد ثابت زیربنایی صورت گرفته است. هم تفسیر جعفر مرتضی عاملی و هم متن روایت می‌تواند دلالت بر منع اهل ذمه از بازارسازی در حوزه پولی داشته باشد. بنابراین، اسلام به

---

۱. محدوده‌ای که شارع در آن، قوانین الزامی (حرمت/وجوب) وضع نکرده است.

تفاوت‌های بخش حقیقی و اعتباری نظر داشته و در اهداف و احکام خود، لزوم ارتباط وثیق میان این دو بخش را لحاظ کرده است.

فراتر از مبانی نظری، اسلام با ابزارهای الزامی مانند «وجوب زکات پول» و «حرمت کنز»، هزینه-فرصت نگهداری غیرمولد پول را افزایش می‌دهد و بازدهی آن را منفی می‌سازد. این سازوکار، ثروتمندان را به تزریق نقدینگی به بخش واقعی هدایت می‌کند و مانع استقلال بخش پولی و شکل‌گیری حباب‌های قیمتی می‌شود.

پژوهش حاضر با واکاوی مستندات فقهی، درصدد است تا از احکام روبنایی عبور کند و به استخراج قاعده‌ای زیربنایی تحت عنوان «قاعده ارتباط و سیالیت» بپردازد؛ قاعده‌ای که الگوی نوینی برای معماری نظام پولی ارائه می‌دهد. شایان ذکر است که در پیشینه پژوهش، بر لزوم پیوند بخش پولی و حقیقی تأکید شده است، اما تاکنون مطالعه‌ای مستقل به استخراج و صورت‌بندی این قاعده با روش فقهی - به‌خصوص روش فقهی شهید صدر در کشف زیربنا - نپرداخته است. در ادامه، پس از بیان پیشینه و روش پژوهش، مفاد و مستندات فقهی قاعده تشریح و درنهایت، دلالت‌های اقتصادی آن ارائه می‌شود.

۱. پیشینه پژوهش

امیدوار و همکاران (۱٤۰٤) در مقاله «حرمت فقهی رکود پول و دلالت‌های آن برای سیاست‌های پولی»، با تبیین یکی از ارکان روبنایی «قاعده ارتباط و سیالیت»، اثبات می‌کنند که پول در نظام اسلامی باید پیوسته در خدمت بخش حقیقی باشد. آنان مفهوم فقهی «کنز» را فراتر از عدم پرداخت زکات دانسته‌اند و آن را معادل قطع پیوند پول با اقتصاد واقعی - خواه به‌صورت انجماد نقدینگی و خواه حبس در چرخه‌های سفته‌بازانه - تعریف می‌کنند. پژوهش مذکور با نقد دیدگاه‌هایی که صرف پرداخت حقوق شرعی را برای جواز انباشت کافی می‌دانند، بر حرمت مطلق رکود پول تأکید ورزیده است و گسست بخش پولی از حقیقی را ریشه اصلی بی‌ثباتی می‌داند. درنتیجه، مدل‌های اقتصادی مبتنی بر استقلال بخش پولی مردود شناخته می‌شوند (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤، صص. ٦٤-۳۵).

مظهر قراملکی (۱٤۰۲) در رساله دکتری خود با عنوان *طراحی نظام پولی مبتنی بر چهارچوب نهادهای اسلامی و مقایسه آن با مکتب سرمایه‌داری*، بر لزوم پیوند وثیق میان بخش پولی و بخش حقیقی اقتصاد تأکید می‌ورزد. وی استدلال می‌کند که در نظام سرمایه‌داری، وجود نرخ بهره و امکان خلق پول بانکی، سبب شده است بخش مالی ماهیتی مستقل بیابد و به‌صورت نامتوازن نسبت به بخش حقیقی رشد کند (تورم بخش مالی)؛ پدیده‌ای که ریشه اصلی بی‌ثباتی‌ها و بحران‌های مالی است. راهکار محوری ارائه‌شده در این پژوهش برای تضمین گردش پول در بخش حقیقی، اعمال «استهلاک مصنوعی بر پول» (مالیات بر پول راکد) با الهام از حکم زکات بر نقدین و ایده پول ممهور سیلویو گزل[1] است. نویسنده با استناد به تحلیل‌های نهادی و مدل‌سازی عامل‌محور[2] نشان می‌دهد که وضع مالیات بر پول راکد و حذف بهره، با اجبار ورود نقدینگی به چرخه تولید و مصرف، منجر به رشد تولید ناخالص داخلی، کاهش بیکاری و توزیع عادلانه‌تر ثروت می‌شود (مظهر قراملکی، ۱٤۰۲، صص. ٦، ۱۳، ۷۲، ۱۰۹، ۱۱٦ و ۱۹۱).

شفیعی‌نژاد و آقانظری (۱٤۰۰) در مقاله «بررسی احکام پول و دلالت‌های آن بر طراحی نظام پولی»، با رویکرد مجموعی به احکام، تأکید دارند که نظام پولی نباید بازار مستقل از بخش واقعی (تولید) داشته باشد (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۰، ص. ٦۸). نویسندگان با نفی بازار مستقل پول و ممنوعیت کنز و سفته‌بازی، قرارداد «تنزیل دین» و وضع مالیات بر پول راکد را به‌عنوان راهکارهای اتصال بخش پولی به بخش واقعی و الزام ورود نقدینگی به چرخه تولید معرفی می‌کنند (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۰، صص. ۷۲، ۷۸، ۸۱ و ۸٤).

عیوضلو (۱۳۸۷) در مقاله «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی»، با نفی استقلال بازار پول از بخش واقعی، بستر نظری اولیه را برای «قاعده ارتباط» فراهم می‌سازد. وی با استناد به دیدگاه شهید مطهری – که ارزش پول را در سلسله معلولات

---

۱. سیلویو گزل در «نظام اقتصادی طبیعی»، علت احتکار و رکود را عدم استهلاک پول می‌داند. او با معرفی «پول آزاد (از احتکار)» (Freigeld) و وضع هزینه نگهداری دوره‌ای (نرخ بهره منفی)، نگهداری پول را هزینه‌زا کرد تا با تسریع گردش پول و کاهش نرخ بهره به صفر، از بحران‌های اقتصادی جلوگیری کند.

2. ABM

مبادله می‌داند – مخالفت خود با بازار مستقل برای پول را مستدل می‌کند. وی همچنین، تأکید می‌کند که نرخ سود باید تعینی (کشف‌شده از بازدهی بخش واقعی) باشد. این دیدگاه با تأکید بر معیار «کارایی» (قوام)، لزوم چرخش صحیح پول در جامعه را به‌عنوان پیش‌نیاز کارایی سیستم پولی تبیین می‌کند که این موضوع مستقیماً با ضرورت «سیالیت پول در بخش حقیقی» هم‌راستاست.

عیوضلو و کریمی ریزی (۱۳۹۷) در مقاله «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام»، با استفاده از رویکرد سیستمی، سه‌گانه «حق، عدل و قوام» را به‌عنوان سه معیار اساسی برای استخراج اصول بانکداری اسلامی معرفی می‌کنند. یکی از این اصول، رابطه نظام پولی و بانکی با بخش حقیقی اقتصاد است. کاربرد عملی این بحث آن است که عملیات بانکی باید تسهیل‌کننده معاملات در بخش واقعی اقتصاد باشد نه اینکه نظام بانکی خود بخواهد بر نظام قیمت‌ها سایه افکند.

عیوضلو و همکاران (۱٤۰۰) در مقاله «تحلیل فقهی–اقتصادی مبانی، اصول و چهارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی»، پاسخی جامع به چیستی، منشأ و ارزش پول ارائه می‌دهند. نویسندگان تصریح می‌کنند که پول اعتباری برای حفظ مالیت خود لزوماً باید واجد مابه‌ازای عینی و ارزشمند در عالم خارج باشد. این پژوهش، «خلق پول از هیچ» را به دلیل مغایرت با اصول عدل و قوام و ضوابط تناظر بین بخش حقیقی و اسمی اقتصاد و پایداری و ثبات و شرط ثبات نسبی در پول، از منظر اسلام غیرمجاز می‌داند.

نظرپور و علیا (۱۳۹۳) در مقاله «تحلیل چگونگی ارتباط بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد»، تبیین می‌کنند که برخلاف بانکداری ربوی که ارتباطش با اقتصاد واقعی «لابشرط» است، در بانکداری اسلامی این اتصال «به‌شرط شیء» و اجتناب‌ناپذیر است. در این نظام، پول به‌خودی‌خود زاینده نیست و باید ابتدا به کالا یا خدمت تبدیل شود تا بازدهی ایجاد کند (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۳). نویسندگان بیان می‌کنند که اتصال بخش پولی به واقعی از طریق عقود مبادله‌ای، مشارکتی، سرمایه‌گذاری مستقیم و خرید دین محقق می‌شود که ماهیت ربوی را حذف می‌کند (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، صص. ۱۹، ۲۰، ۲۷ و ۲۹). این پیوند ساختاری با جلوگیری از خلق پول بدون پشتوانه موجب ثبات

بیشتر بانکداری اسلامی نسبت به نظام متعارف می‌شود (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، صص. ۱۰ و ۱۵).

چپرا (۱۹۸۵) در کتاب *به سوی یک نظام پولی عادلانه*، تبیین می‌کند که ثبات و عدالت اقتصادی در گروی پیوند ناگسستنی میان بخش مالی و بخش حقیقی (کالا و خدمات) است. در این دیدگاه، پول نباید به‌خودی‌خود زاینده باشد، بلکه بازدهی مالی باید الزاماً از ریسک‌پذیری در تجارت و فعالیت اقتصادی واقعی ناشی شود نه از تعیین بهره ثابت بر سرمایه مالی (Chapra, 1985, pp. 57 & 61). چپرا مدل مطلوب را استوار بر مشارکت در سهام و اتصال اعتبار به دارایی‌های واقعی می‌داند که با حذف سفته‌بازی و تنظیم خلق پول بر اساس ظرفیت تولید، مانع شکنندگی سیستم می‌شود (Chapra, 1985, pp. 98, 108, 119,167, 170, 189,193 & 218 ,57, 61, 68, 96-). وی در مقاله‌ای، جایگزینی «تسهیم ریسک» با بهره را عامل انضباط بازار و پیشگیری از بحران‌های مالی معرفی می‌کند (Chapra, 2008, pp. 227- 245).

گزارش جهانی مالی اسلامی (۲۰۱٦) که حاصل پژوهش مشترک بانک جهانی و بانک توسعه اسلامی است، بر لزوم اتصال ذاتی بخش پولی به بخش حقیقی اقتصاد تأکید می‌ورزد. فصل سوم این گزارش تأکید می‌کند که عدالت اقتصادی مستلزم هدایت منابع به سمت فعالیت‌های مولد است. عقود اسلامی مانند مشارکت، با گره زدن تأمین مالی به اقتصاد واقعی، از رشد حبابی و بدهی‌های بدون پشتوانه جلوگیری می‌کنند تا بخش مالی همگام با بخش حقیقی رشد کند. این گزارش با هشدار نسبت به بحران‌زایی مالی‌سازی و گسست بخش‌ها، نشان می‌دهد که صکوک و تسهیم ریسک، ارزش‌گذاری را بر دارایی‌های واقعی استوار می‌کنند (World Bank Group & Islamic Development Bank Group, 2016, pp. 58-59 & 75-77). همچنین، تأکید می‌شود که استانداردهای مالی اسلامی با تمرکز بر معاملات حقیقی و اوراق مبتنی بر دارایی، برخلاف نظام متعارف، ضامن رشد پایدار و رفاه مشترک هستند (World Bank Group & Islamic Development Bank Group, 2016, pp. 188-196).

فریدی (۱۹۸۳) در مقاله «نظریه سیاست مالی در دولت اسلامی»، زکات را به‌عنوان اساس سیستم مالی اسلامی معرفی و پرداخت آن را در قالب «مالیات منفی» با کارکرد

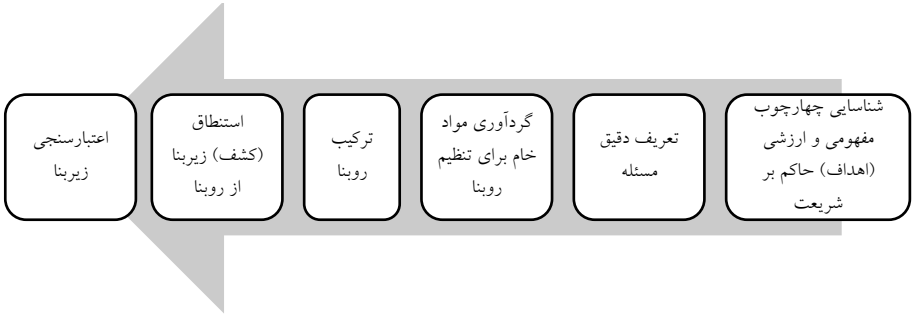
یک «تثبیت‌کننده مالی خودکار» تبیین می‌کند. نهادهای داوطلبانه (بر پایه زکات و صدقات) بخش قابل توجهی از منابع را برای تولید کالاهای عمومی و شبه‌عمومی (مثل آموزش و بهداشت) فراهم می‌کنند. مطابق منطق کینزی، زکات با انتقال منابع به فقرا، تقاضای مؤثر را افزایش می‌دهد و ظرفیت‌های بیکار را فعال می‌کند و با جهت‌دهی تولید به سمت کالاهای اساسی و تقویت آموزش و بهداشت، توان درآمدزایی فقرا را بالا می‌برد. وی ضمن تأکید بر حذف ابزارهای سفته‌بازانه و جایگزینی بهره با مشارکت برای اتصال پول به تولید، وضع «مالیات‌های تنبیهی» را راهکار دولت برای کنترل خلق اعتبار مازاد و نوسانات می‌داند (Faridi, 1983, 16, 22-23, 26 & 29-30).

۲. روش پژوهش

این پژوهش از چهارچوب روش‌شناختی «فقه‌النظریه» شهید صدر بهره می‌جوید. در این رویکرد، شارع هنگام بیان وظایف مکلفین عصر نزول، عمدتاً به تطبیق روبناهای قانونی پرداخته و از بیان مستقیم زیربنا اجتناب کرده است. ازاین‌رو وظیفه فقیه، کشف زیربنا (مذهب اقتصادی) و تطبیق آن بر مسائل معاصر است (صدر، ١٤٣٤ق، ج٣، صص. ٤٦٦-٤٦٤). مذهب اقتصادی «طریقه‌ای است که جامعه برای حیات اقتصادی و حل مشکلات عملی خود می‌پیماید» و بر پایه عدالت استوار است (صدر، ١٤٣٤ق، ج٣، صص. ٣٧ و ٤١٧-٤٢٣). فرایند کشف مذهب در چهار گام سامان می‌یابد.

١. شناسایی چهارچوب مفهومی و اهداف کلان: استخراج مفاهیم بنیادین و اهداف حاکم بر شریعت (مانند عدالت و توازن) برای ایجاد چهارچوب راهنما برای پژوهش.
٢. تعریف مسئله و گردآوری روبناها: گردآوری جامع منابع دینی، احکام جزئی و فتاوی مرتبط با موضوع عینی مورد بررسی.
٣. عملیات ترکیب و استنطاق زیربنا: تحلیل ساختارمند و شبکه‌ای احکام جزئی در پرتوی مفاهیم و اهداف کلان (گام نخست) برای کشف و استخراج نظریه زیربنایی.
٤. اعتبارسنجی دوسطحی: آزمون نظریه استخراج‌شده در دو سطح الف. توانایی توضیح کامل و بدون تناقض تمام احکام جزئی گردآوری‌شده و ب. سازگاری کامل با مفاهیم بنیادین، اهداف کلان و روح حاکم بر شریعت.

برای مرور مراحل روش فوق به شکل زیر توجه کنید.



شکل ۱. فرآیند کشف مذهب

منبع: یافته‌های محقق از (صدر ۱٤۳٤ق، ج۳ صص۳۷ و ٤۱۷-٤۲۳)

۳. مفاد و مستندات قاعده

مفاد قاعده این است که «پول باید بخش حقیقی را به گردش درآورد و منجمد نشود». مقصود از ارتباط، لزوم اتصال وثیق پول با بخش حقیقی است. مقصود از سیالیت، امکان و ظرفیت تحرک پول در بخش واقعی است؛ البته این امکان باید به مرحله فعلیت نیز رسیده باشد. مطابق این قاعده، یک نظام پولی (شکل پول، نهادها و سیاست‌های پولی) وقتی مطلوب است که بتواند با بخش واقعی اقتصاد بیشترین ارتباط و اتصال را برقرار کند و همچنین، در بخش واقعی به‌آسانی جابه‌جا شود.

مطابق روش بیان‌شده، مفاهیم (بینش‌های کلان) و اهداف مرتبط با احکام نقش مهمی در استنباط قاعده زیربنایی دارند. مفاهیم و اهداف احصاشده برای کشف این قاعده از این قرار است. ۱. مفهوم ملکیت در پرتوی نظریه استخلاف (ملکیت ابزاری برای ادای رسالت جامعه)، ۲. مفهوم مال (برکت مال مُنمی و صرف در مسیر صلاح)، ۳. مطلوبیت تولید و افزایش ثروت در بخش حقیقی، ٤. مطلوبیت گردش ثروت و ۵. مطلوبیت سهولت و آزادی مبادلات. سپس برای کشف زیربنا، باید دو حکم فقهی روبنایی را در کنار هم لحاظ کنیم.

۳-۱. حرمت رکود پول و خروج آن از چرخه

اثبات این حکم روبنایی، حاصل واکاوی تفصیلی ادله حرمت کنز در پژوهش پیشین نویسندگان است (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤، صص. ٦٤-۳۵). یافته‌های آن مقاله نشان می‌دهد صدق «کنز» بر دو مناط استوار است. ۱. عدم شفافیت ثروت پولی برای ولی‌امر و ۲. انباشت پول با وجود امکان جهت‌دهی آن به خیر عمومی (اعم از انفاقات واجب و مستحب یا سرمایه‌گذاری مولد). ازاین‌رو اولاً، پول نباید از حیث مقدار، مالکیت و چرخه غیرشفاف باشد. ثانیاً، امکان سیاست‌گذاری برای جلوگیری از انباشت وجود داشته باشد. مطابق دیدگاه منتخب، انفاق در آیه شریفه[۱] اعم از زکات دارای نصاب شرعی و غیر آن است. حکمت جعل زکات نسبت به حکمت حرمت کنز تفاوت دارد. ازاین‌رو کنز کردن پول مطلقاً حرام است. این استنباط با مفاهیم و اهداف بیان‌شده در بالا، کاملاً سازگار و هم‌راستاست. براین‌اساس، در اقتصاد اعتباری مدرن، کنز صرفاً پنهان و ذخیره کردن فیزیکی اسکناس نیست، بلکه هرگونه گسست میان بخش اسمی و حقیقی اقتصاد، مولد کنز سیستمی است. اگر جریان اعتبار در شبکه بانکی در قالب دارایی‌های اسمی و سوداگری‌های مالی بازتولید شود و به بخش واقعی (تولید کالا و خدمات) تزریق نشود، آثار سوء اقتصادی کنز محقق می‌شود. درنتیجه، شبکه بانکی در صورت انقطاع از بخش حقیقی، خود به بستر اصلی انجماد مدرن تبدیل می‌شود. طبق این حکم روبنایی، پول هرگز نباید از چرخه مبادله کالاها و خدمات خارج شود.

۳-۲. وجوب زکات پول

برای اثبات این حکم فقهی، گام‌های زیر را طی می‌کنیم.

الف. کشف غرض لزومی: حکم زکات - به‌عنوان ضروری دین و یکی از پایه‌های پنج‌گانه اسلام - دارای غرض لزومی «رفع فقر» است؛ هرچند حکمت‌های فرعی نیز دارد مانند حکمت «عبادت» بودن یا پرداخت از روی طوع و اختیار (طوسی (شیخ)، ۱٤۰۷ق، ج٤، ص. ۳۱). اگر زکات رفع فقر نکند به هدف و غرض اصلی از جعل خود نرسیده

---

۱. یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُوا إِنَّ کَثیراً مِنَ الْأَحْبارِ وَ الرُّهْبانِ لَیَأْکُلُونَ أَمْوالَ النَّاسِ بِالْباطِلِ وَ یَصُدُّونَ عَنْ سَبیلِ اللَّهِ وَ الَّذینَ یَکْنِزُونَ الذَّهَبَ وَ الْفِضَّةَ وَ لا یُنْفِقُونَها فی سَبیلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذابٍ أَلیمٍ (توبه، ۳٤).

است. صحیحه زراره و محمدبن‌مسلم بر این مطلب دلالت می‌کند (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، ص. ۱۰)[۱]. مطابق غرض مذکور، باید زکات به‌اندازه‌ای مقرر شود که این غرض حاصل آید. در احکام منصوص‌العله، توسعه یا تضییق دایره حکم وابسته به تأمین غرض است. ازاین‌رو زکات را باید به‌عنوان عمل عبادی و با قصد عبادت پرداخت کرد، اما اصل حکم زکات، حکمی تعبدی و مجهول‌العله نیست، بلکه علت روشنی دارد که قابل فهم عموم است (جعفری تبریزی، ۱۳۷۷، ص. ٦۷). اگر به‌صورت تعبدی (و فردی) و بدون نظر به نتایج و آثار (اجتماعی) به این حکم نگاه شود، به معنای نفی نظام اقتصادی از اسلام است که مبنای باطلی است (زیرا احکام اسلام دارای هدف و نظام هستند). در صورت عدم رفع فقر با زکات، حاکم اسلامی موظف است که سازوکار جایگزینی برای رفع فقر ایجاد کند (شهیدی‌پور، ۱٤۰۰).

ب. زکات نقدین: درهم و دینار به‌عنوان پول رایج در صدر اسلام، قطعاً مشمول زکات بوده است. مقدار زکات درهم و دینار در روایات، ۲/۵ درصد معین شده است که در صورت رسیدن به حد نصاب، پس از گذشت یک سال از پول خرج‌نشده، باید پرداخت شود. در صحیحه وشاء، این مالیات به‌تنهایی برای رفع فقر فقرای جامعه کافی دانسته شده است (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، ص. ۱٤٦). در اینکه موضوع حکم زکات، طلا و نقره محض نیست و فقط طلا و نقره مسکوک مشمول حکم زکات است، اختلافی میان فقهای امامیه وجود ندارد و صحیحه علی‌بن‌یقطین نیز به‌صراحت بر این امر دلالت دارد (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، صص. ۱۵۵-۱۵٤).

پ. تعمیم زکات نقدین: فتاوی مشهور امامیه این است که با تغییر شکل پول از درهم و دینار (نقره و طلای مسکوک) به اشکال دیگر، موضوع زکات پول منتفی شده است و لذا زکات پول‌های امروزی را واجب نمی‌دانند (مظهر قراملکی و همکاران،

---

۱. از امام‌صادق (ع) در حدیثی نقل شده است که فرمود خداوند عزوجل برای فقرا در مال ثروتمندان سهمی واجب کرده است که معیشت آنان را کفایت می‌کند و اگر خدا می‌دانست که این سهم کفایت آن‌ها را نمی‌کند، قطعاً آن را افزایش می‌داد، (اما) آنچه محرومیت فقرا را سبب شده، نه از ناحیه سهمی است که خداوند برای آن‌ها مقرر فرموده، بلکه به سبب خودداری کسانی است که حق آنان را (از اموالشان) دریغ می‌دارند! اگر مردم حق (خدا و خلق) را ادا می‌کردند، قطعاً در زندگی به نیکویی و رفاه به سر می‌بردند.

۱٤۰۲). گویی خصوصیت طلا و نقره بودن در کنار خصوصیت پول بودن به‌نحو حیثیت تقییدیه در ترتب وجوب زکات بر موضوع اخذ شده است، اما به نظر می‌رسد این فتاوی به دلیل مغایرت با «غرض حکم» که در روایت صحیح‌السند بیان شده، دارای اشکال است. اصل اشکال نیز به نحوه استظهار موضوع حقیقی وجوب بازمی‌گردد و اینکه خصوصیت طلا و نقره بودن در کنار خصوصیت پول بودن اخذ شده باشد. غرض حکم زکات و به‌خصوص غرض زکات پول ثابت می‌کند که این استظهار صحیح نیست و در هر دوره‌ای باید پول (یا دست‌کم رایج‌ترین پول) مشمول زکات باشد تا غرض شارع فوت نشود. این امر بعید است که شارع، عنوانی را برای حکم خود اخذ کند که بعد از گذشت حدود ده قرن محو شود. در عنوان مال نیز شارع همین رویه را در پیش گرفته است. شارع هر آنچه را عقلا مال می‌دانند، مال محسوب می‌کند و حکم ضمان، خمس و... را بر عنوان مال جعل می‌کند. حتی اگر فقیهی این استدلال را نپذیرد، دست‌کم به‌خاطر غرض مصرح زکات باید قائل به توسعه موارد نُه‌گانه شود تا غرض شارع تفویت نشود (شهیدی‌پور و معتمدی ۱٤۰۱، صص. ۱٤۰-۱۳۵). در میان فقهای امامیه نیز کسانی هستند که قائل به زکات پول رایج به هر شکلی هستند. مفاهیمی مانند مفهوم ملکیت در آموزه‌های دین، مفهوم مال و در میان اهداف، توجه به مطلوبیت تولید و افزایش ثروت در بخش حقیقی (کل اقتصاد) و مطلوبیت گردش ثروت مؤید این استنباط هستند. از میان فقها نیز مرحوم کاشف‌الغطا همه احکام نقدین (ازجمله وجوب زکات) را بر پول‌های کاغذی امروزی جاری می‌داند. شهید صدر در حاشیه کتاب *منهاج‌الصالحین* این احتمال را که پول‌های کاغذی کنونی مشمول زکات هستند، مطرح کرده است. همچنین، شبیری زنجانی به احتیاط واجب، پرداخت زکات پول‌های اعتباری کنونی را در صورت رسیدن به نصاب لازم دانسته است (مظهر قراملکی و همکاران، ۱٤۰۲، ص. ٤۷).

ت. دیدگاه‌های فقهی معاصر: برای اثبات این مدعا، اقوال برخی فقهای معاصر را مرور می‌کنیم.

- مرحوم آیت‌الله هاشمی شاهرودی چهار تقریب برای اثبات وجوب زکات بر اسکناس ذکر کرده است. ۱. الغای خصوصیت از طلا و نقره که آن را به دلیل تصریح روایات بر عناوین خاص، فاقد دلیل اثباتی دانسته‌اند (هاشمی

شاهرودی، ۱٤۳۲ق، ج۲، ص. ٤۸). ۲. درهم صرفاً «معیار ارزش» است. ۳. استناد به روایت «زید صائغ» و دراهم مغشوشه. این دو، به دلیل عدم دلالت بر نفی دخالت جنسیت و نیز ضعف سند و ابهام متنی رد شد (هاشمی شاهرودی، ۱٤۳۲ق، ج۲، صص. ۵۲-٤۸). ٤. اما در قوی‌ترین استدلال که بر اطلاق عناوین عامی مانند «المال» و «الثمن» تکیه دارد (هاشمی شاهرودی، ۱٤۳۲ق، ج۲، ص. ۵۳)، چالش اصلی حکم «عدم ضمیمه شدن طلا و نقره در تحقق نصاب» است که نشان‌دهنده دخالت جنسیت است که با تفکیک ظریف میان درهم به‌مثابه «پول محض» و دینار به‌عنوان «پول کالایی»، سعی در حل این تعارض داشتند (هاشمی شاهرودی، ۱٤۳۲ق، ج۲، صص. ٦۳-٦۱). درنهایت، ایشان به دلیل تفاوت ماهوی مال اعتباری (اسکناس) با حقیقی (نقدین) از فتوای قطعی پرهیز کرده، اما جبران آن را از طریق اختیارات ولی‌امر میسر دانسته‌اند (هاشمی شاهرودی، ۱٤۳۲ق، ج۲، ص. ٦٤).

- منتظری دو دلیل بر وجوب زکات اسکناس امروزی در فرض رسیدن به نصاب طلا و نقره اقامه می‌کند؛ هرچند به فتوای صریح نمی‌رسد. ۱. الغای خصوصیت از طلا و نقره: این استدلال بیان می‌کند که علت وجوب زکات بر طلا و نقره، «نقد رایج» بودن آن‌ها برای ارزش‌گذاری کالاها بوده است. بنابراین، این حکم به هر چیزی که در هر عصری نقد رایج باشد، مانند اسکناس، تسری می‌یابد. ۲. عمومات و اطلاقات قرآنی: آیاتی مانند «خُذْ مِنْ أَمْوالِهِمْ صَدَقَةً...» (توبه/۱۰۳) زکات را بر «اموال» واجب کرده‌اند که مفهومی عام است. برخی روایات نشان می‌دهد میزان زکات بر اساس کفایت فقرا تعیین شده و تعیین نُه کالا توسط پیامبر اسلام (ص) یک حکم حکومتی متناسب با ثروت‌های رایج آن زمان بوده است و ایشان از سایر اموال «عفو» کرده‌اند. فلسفه تشریع زکات ایجاب می‌کند که با تغییر شکل ثروت‌ها، منابع آن نیز گسترش یابد. منتظری قائل است که کسی که این ادله را نپذیرد، لااقل باید فتوا به احتیاط (درباره اسکناس) کند. همچنین، محتمل است سپرده‌های ثابت بانکی نیز مشمول زکات سالانه باشد (منتظری، ۱٤۰۹ق، ج۱، صص. ۲۸۲-۲۸۰).

- قائنی و همکاران برای اثبات زکات پول‌های امروزی، دو مسیر «عدم انحصار در موارد نه‌گانه» و «شمول عناوین نه‌گانه بر پول‌های فعلی» را پی می‌گیرند (قائنی و همکاران، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). ایشان ضمن پذیرش اینکه حصر زکات در موارد نه‌گانه سنت پیامبر (ص) بوده است، استدلال می‌کنند که این سنت لزوماً ابدی نیست؛ زیرا اگر با حذف درهم و دینار از چرخه مبادلات، زکات در جایگزین آن‌ها واجب نشود، بودجه فقرا کاهش می‌یابد که این امر با تصریح روایات بر تأمین نیاز فقرا منافات دارد. بنابراین، ادله حصر، «اضافی» و ناظر به اشیای موجود در آن عصر بوده است و نسبت به پدیده‌های نوپیدا اطلاق ندارد (قائنی و همکاران، ۱۳۸۵، صص. ۳۳-۲۹). افزون‌بر امکان وضع زکات بر موارد جدید توسط حاکم شرع بر اساس مصالح، ایشان عناوینی مانند درهم و دینار را «مشیر» به هر نوع نقد رایج دانسته‌اند و برای اثبات مدعا به احادیث زکات در «ثمن» (به معنای پول رایج)، احادیث «مال» (که به مناسبت حکم و موضوع، ظهور در نقدین دارد) و تعلیل روایت زکات برنج استناد می‌کنند (قائنی و همکاران، ۱۳۸۵، صص. ۷۹-٤۹). جمع‌بندی نهایی ایشان این است که ادله حصر یا اساساً شامل امور مستحدثه نمی‌شوند یا در صورت شمول، با ادله اثبات زکات بر مطلقِ پول تعارض می‌کنند که در این صورت، ادله اثبات به دلیل موافقت با اطلاقِ آیه قرآن «خُذ مِن أموالِهِم صَدَقَة...»، مقدم خواهند بود (قائنی و همکاران، ۱۳۸۵، صص. ۱۰۳-۱۰۲).
- آیت‌الله شهیدی‌پور و معتمدی ادعای مثالی بودن «درهم و دینار» و مشیر بودن آن‌ها به نقد رایج را فاقد دلیل دانسته‌اند، اما احتمال آن را مانع ظهور روایات حاصره در نفی زکات پول می‌دانند (شهیدی‌پور و معتمدی، ۱٤۰۱، صص. ۱۱۱-۱۲۰). ایشان استدلال به عناوین عام («ثمن» و «مال») و غرض تشریع (رفع فقر) را نیز برای اثبات وجوب مستقیم زکات بر اسکناس ناکافی می‌شمارند (شهیدی‌پور و معتمدی، ۱٤۰۱، صص. ۱۳۵-۱۲۱). بااین‌حال، تنها راهکار معتبر برای وضع زکات بر پول‌های نوپیدا را اعمال «ولایت حاکم اسلامی» می‌دانند؛ زیرا عدم تکافوی موارد نه‌گانه در شرایط فعلی نسبت به

تحقق غرض شارع از تشریع زکات، مانع انحصار است. لذا قدر متیقن آن است که تشخیص موضوع و وضع زکات بر اموالی مانند پول، از اختیارات ولی‌امر بر پایه مصالح جامعه است؛ دیدگاهی که با نظرات شهید صدر، آیت‌الله منتظری و آیت‌الله سیدکاظم حائری همسویی دارد (شهیدی‌پور و معتمدی، ۱٤۰۱، صص. ۱٤۰-۱۳۵).

- آیت‌الله اشرفی شاهرودی وجوب زکات بر پول‌های امروزی را از سه منظر اثبات می‌کند. ۱. ملاک رواج داشتن و معیار ارزش بودن: دائر مدار بودن زکات طلا و نقره بر «مسکوک و پول بودن» نه جنس فلز و جانشینی پول‌های کنونی به‌جای درهم و دینار بر پایه روایاتی مانند «زید صائغ» (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، صص. ۱۷، ۳۰ و ۳۷-۳۱)، ۲. مصداقیت عناوین عام: داشتن مالیت مستقل اسکناس و صدق عناوین عام روایی مانند «مال صامت» و «قیمت» بر آن (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، صص. ٤۳-٤۱) و ۳. فلسفه تشریع و تعلیل‌های منصوص: تأمین نیاز فقرا و عدم انحصار زکات در نقدین منسوخ بر اساس اصل استمرار احکام (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، صص. ٤۸-۳۸). درنهایت، ایشان سقوط زکات با تغییر فیزیکی پول را بعید دانسته و قائل به ثبوت زکات بر پول‌های رایج (یا دست‌کم احتیاط وجوبی) است (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، صص. ۹۳-۹۲).
- مدرسی طباطبایی با نفی الغای خصوصیت از نقدین و رد نظریه پشتوانه، زکات پول‌های اعتباری را منتفی می‌داند. وی حکمت زکات نقدین را اجبار به گردش پول کمیاب دانسته و مدعی است امروزه دولت‌ها با خلق پول و ایجاد تورم، انگیزه احتکار را از بین می‌برند (مدرسی طباطبایی، ۱٤۰۱، صص. ۱۱۷-۱۱٤). در نقد این نگرش باید گفت که «گردش پول» تنها حکمتی فرعی است و طبق روایات، ملاک محوری «رفع فقر» است. ازآنجاکه خلق پول دولتی غالباً به نفع اغنیا و صاحبان وثایق تمام می‌شود و لزوماً به دست نیازمندان نمی‌رسد، نمی‌تواند جایگزین کارکرد توزیعی زکات در تحقق غرض شارع شود.

ث. ارائه دیدگاه برگزیده: در واکاوی این نظرات، توجه به عنصر زمان و مکان و پویایی استدلال فقهی روشن است. چالش تعمیم حکم زکات به پول‌های امروزی ناشی از تفاوت ماهوی میان «پول کالایی» (نقدین صدر اسلام) و «پول اعتباری» (اسکناس و سپرده مدرن) است. با تحول زمان و مکان، طلا و نقره خاصیت نقدینگی و رواج در وساطت مبادلات را از دست داده و تبدیل به کالا شده‌اند. در مقابل، اسکناس و موجودی‌های دیجیتال، هویت پولی محض را به ارث برده‌اند. فقیهانی که رأی به تعمیم وجوب زکات (یا احتیاط وجوبی) به پول امروزی داده‌اند، استدلال خود را دقیقاً بر مبنای تحول زمان و مکان استوار کرده‌اند. به این معنا که خصوصیت طلا و نقره بودن در عصر تشریع ناشی از «ذات فلز» نبوده، بلکه ناشی از «مصلحت عقلایی آن عصر و زمانه» یعنی تنها مصداق نقد رایج بودن آن‌ها بوده است. افزون‌براین، با تغییر مقتضیات و تشکیل دولت مدرن، اگر ساختار منابع مالیاتی شریعت متناسب با شکل‌گیری ثروت‌های جدید اعتباری بازتعریف نشود، موجب تفویت غرض لزومی شارع یعنی رفع فقر می‌شود. ازاین‌رو تعمیم حکم زکات به پول‌های امروزی، نه نادیده گرفتن تفاوت‌های عصر جدید، بلکه بازخوانی پویای ملاک حکم در پرتوی عنصر زمان و مکان است.

بنابراین، با طی مقدمات ده‌گانه، وجوب زکات پول به‌نحو مطلق را می‌توان ثابت کرد. ۱. زکات یکی از ستون‌های پنج‌گانه اسلام شمرده شده است. ۲. ملکیت انسان نسبت به پول باید در پرتوی نظریه استخلاف لحاظ شود (ملکیت محدود به ادای رسالت اجتماعی است). ۳. باید از دریچه مفهوم مال نسبت به پول ذخیره‌شده نگاه شود. ٤. دو هدف مطلوبیت تولید و افزایش ثروت در بخش حقیقی (کل اقتصاد) و مطلوبیت گردش ثروت لحاظ شود. ۵. در صحیحه زراره و محمدبن‌مسلم غرض از جعل زکات، رفع فقر از جامعه معرفی شده است. ٦. وجوب زکات پول رایج (درهم و دینار) در صدر اسلام امری قطعی است. ۷. درهم و دینار ذوب‌شده زکات ندارد. ۸. یکی از منابع اصلی زکات از میان نُه مورد منصوص، زکات نقدین بوده است و مطابق صحیحه وشاء، به‌تنهایی نیز برای رفع فقر کفایت می‌کند. ۹. در صورت تغییر شکل پول و به‌تبع آن، تغییر فتاوی فقهی، یکی از منابع اصلی زکات از بین می‌رود. ۱۰. در این صورت این فتاوی مخالف با غرض شارع و مخالف با ستون بودن زکات در اسلام است. نتیجه آنکه، زکات پول یا

به حکم اولی یا به حکم حکومتی باید ثابت شود والاّ غرض شارع از وجوب زکات یعنی رفع فقر از بین می‌رود.

ج. تقویت دیدگاه برگزیده: امکان اثبات زکات پول از طریق حکم اولیه، با اشکال کمتری مواجه است؛ زیرا توسعه موارد زکات با توجه به روایات انحصار مشکل است؛ هرچند توسعه موارد نیز قابل تبیین استدلالی است و می‌توان حکومتی یا زمانمند بودن ادله انحصار را مطرح و بررسی کرد. استفاده از ادله ولایت فقیه نیز ممکن است؛ به‌خصوص با لحاظ صحیحه وشاء. افزون‌برآن، الغای خصوصیت از درهم و دینار (صدر، ۱٤۳٤ق، ج۵(۱)، ص. ۲۰٦) و تعمیم عنوان حکم به هر چیزی که مقیاس سنجش ارزش کالاها و خدمات است (هویت پولی)، امری عرفی است. ازاین‌رو با تغییر مصداق پول، تغییری در حکم شرعی پدید نمی‌آید (مانند تغییر مصداق مال در بحث ضمان یا ادله عقود یا تغییر مصداق در ادله سبق و رمایه).

۳-۲-۱. ربط حکم زکات پول با قاعده

حال که این روبنای فقهی ثابت شد، پرسش این است که چگونه می‌تواند قاعده ارتباط و سیالیت را ثابت کند؟ گفتیم که غرض اصلی حکم زکات پول، رفع فقر است، اما چرخش پول به‌عنوان حکمت فرعی یا پیامد جعل زکات قابل توجه است. چه‌بسا زکات جعل شده است تا پول از سلطه ثروتمندان دربیاید و در میان فقرا هم بچرخد. به دو بیان می‌توان آن را به قاعده ارتباط و سیالیت نسبت داد.

الف. پیامد اجرای زکات افزون‌بر رفع فقر، تسهیل گردش هدفمند پول در «بخش حقیقی» اقتصاد است. پول در دست ثروتمندان نیز لزوماً حبس و کنز نمی‌شود و می‌تواند گردش داشته باشد، اما این گردش ممکن است محدود به بخش‌های مالی، سفته‌بازی یا چرخه‌های بسته ثروت میان اغنیا باشد، اما درآمد پولی اعطاشده به فقرا به‌سرعت به بخش حقیقی وارد می‌شود. علت آن است که فقیر در تعریف دینی کسی است که مخارج سال خود و عیالش را (جزئاً یا کلاً) ندارد. ازاین‌رو میل نهایی به مصرف او نسبت به کالاها و خدمات، زیاد است و هرگونه درآمد پولی او به‌سرعت به تقاضای مؤثر کالاها و خدمات تبدیل و باعث رونق و چرخش اقتصاد می‌شود. فریدی با استفاده از منطق اقتصاد کلان

کینزی، مکانیزم دقیقی را توضیح می‌دهد که چگونه زکات از یک «انتقال مالی ساده» به «محرک تولید» تبدیل می‌شود. زکات، ثروت را از اغنیا (که میل نهایی به مصرف کمتری دارند) به فقرا (که میل نهایی به مصرف بالاتری دارند) منتقل می‌کند. گیرندگان زکات (فقرا) این منابع را بلافاصله وارد بازار می‌کنند تا نیازهای خود را بخرند. این کار باعث افزایش «تقاضای پولی» در بازار کالا می‌شود. با فرض وجود ظرفیت مازاد و منابع بیکار، افزایش تقاضا منجر به تورم نمی‌شود، بلکه نیروهای تولیدی را آزاد می‌کند تا کالا تولید کنند. این تقاضا کور نیست، بلکه جهت‌دار است. تولید به سمت «کالاهای مورد نیاز فقرا» تغییر جهت و ترکیب تولید ملی را به نفع کالاهای اساسی تغییر می‌دهد (Faridi, 1983, pp. 22-23). افزون‌برآن، خرج زکات در آموزش و بهداشت (کالاهای شبه‌عمومی)، «ظرفیت درآمدزایی» فقرا را افزایش می‌دهد و به‌عنوان سرمایه‌گذاری در منابع انسانی، عملکرد کلی اقتصاد (بخش حقیقی) را بهبود می‌بخشد (Faridi, 1983, p. 29).

ب. شرط تعلق زکات پول این است که پول تا یک سال بدون حرکت مانده باشد. از این شرط که در ناحیه موضوع (متعلق‌المتعلق) اخذ شده است، می‌توان استنباط کرد که گردش پول موجب معافیت زکات می‌شود. در صحیحه زراره به این مسئله اشاره شده است (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، ص. ۱۷۰)[1]. ازاین‌رو پولی که منجمد شود و تا یک سال حرکت نکند، زکات دارد. در روایت دیگری تعبیر به پول «موضوع» (رها) شده است (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، ص. ۱۷۰). در روایتی که ماجرای درگیری ابوذر با عثمان در زمان رسول خدا (ص) نقل شده است، عثمان هر پولی را - پس از گذشت یک سال - مشمول زکات می‌دانست چه در گردش باشد و چه نباشد، اما ابوذر می‌فرمود پول در گردش زکات ندارد و فقط پول انباشت و رهاشده - پس از یک سال - زکات دارد. پیامبر اکرم (ص) سخن ابوذر را صحیح دانست (طوسی (شیخ)، ۱۳۹۰ق، ج۲، صص. ۱۰-۹).

---

۱. زراره از امام‌باقر (ع) نقل کرده است که فرمودند زکات بر مالی واجب است که صامت (راکد و بی‌حاصل) بوده و یک سال بر آن گذشته باشد بدون اینکه از جای خود حرکت داده شود.

این تعبیر دیگری از وکالت کالاهاست که بعداً توضیح می‌دهیم؛ ازاین‌حیث که حرکت پول کنایه از خرج شدن آن در بخش حقیقی اقتصاد است؛ یعنی بخش پولی در خدمت بخش حقیقی قرار گرفته و آن را به جریان انداخته است. درصورتی‌که این حرکت به سکون تبدیل شود، مشمول مالیات می‌شود و این مالیات پس از جمع‌آوری در مقیاس کلان، چون نیاز فقرا را کامل تأمین می‌کند، چرخش قابل اعتنایی در بخش حقیقی اقتصاد ایجاد می‌کند.

شهید صدر در *اقتصادنا*، وظیفه اصلی پول را تسهیل مبادلات کالاها و خدمات می‌داند. به تعبیر دیگر، پول نایب و وکیل همه کالاها در مبادلات است (صدر، ۱٤۱۷ق، ص. ۳٤۹). با توجه به تحلیل وی، هدف بشر از ابداع این فناوری نرم اجتماعی این بود که دشواری‌های مبادله کالا به کالا رفع شود و یک شیء به‌عنوان وکیل همه کالاها و خدمات، مورد مبادله با بقیه کالاها و خدمات قرار گیرد و قابل تبدیل به آن‌ها باشد. اسلام نیز پول را با همین ارتکاز مبنایی امضا کرده است. بنابراین، اسلام با هر چیزی که باعث شود پول از این وظیفه ذاتی دور شود و موجب اختلال در مبادلات شود، مخالف است. ممکن است برخی رفتارهای سفته‌بازانه در همان بخش حقیقی اقتصاد رخ دهد، اما با اصلاح نظام پولی شاید بتوان این رفتارهای سفته‌بازانه که مبادلات کالاها و خدمات را دشوار یا گران می‌کند، کاهش داد.

بحث وکالت از کالاها را می‌توان به‌گونه‌ای دیگر نیز تبیین کرد. از برخی ادله (مثل حرمت ربا یا ادله بطلان ربح ما لم یضمن یا...) استفاده می‌شود که بخش حقیقی اقتصاد نباید از بخش پولی و اعتباری (هر دو) جدا باشد. بنابراین، پذیرفته‌ترین شکل پول، پیونددهنده‌ترین آن به بخش حقیقی اقتصاد است که از آن به «ارتباط» تعبیر می‌کنیم.

در عصر کنونی مصداق پول به پول اعتباری و سپرده تغییر یافته، اما آن منطق پولی پیشینی (طریقیت پول برای تسهیل مبادلات بخش حقیقی و نفی اصالت آن برای درآمدزایی محض) ثابت است.

ارتباط و سیالیت در پول دو مفهوم بسیار نزدیک به هم هستند. پول وقتی می‌تواند نقش ارتباطی خود را ایفا کند که سیال باشد و برعکس. هر دو مفهوم (ارتباط و سیالیت) وقتی تأمین می‌شود که پول منجمد نشود.

۳-۲-۲. تحلیل ملاک‌های دیگر زکات پول

در خاتمه این بحث، مناسب است به ملاک‌های دیگر شارع در جعل وجوب برای زکات پول اشاره و مانعیت آن نسبت به برداشت‌های فوق را تحلیل کنیم. در برخی ادله آمده است که اگر مال، قابلیت انتفاع توسط فرد ندارد، زکات ندارد. در صحیحه اسحاق‌بن‌عمار از امام‌کاظم (ع) پرسیده شد که مردی نفقه دو سال خانواده‌اش به مبلغ ۲۰۰۰ (درهم یا دینار) را نزدشان می‌گذارد. آیا زکات دارد؟ امام می‌فرماید که اگر خودش حضور دارد، زکات دارد و اگر غایب است، زکات ندارد (حر عاملی (شیخ)، ۱٤۰۹ق، ج۹، ص. ۱۷۳). ازاین‌رو در برخی اصول فوق که بحث سکون پول موضوع زکات قرار گرفته است، قید حضور شخص زکات‌دهنده باید افزوده شود؛ یعنی به‌رغم اینکه سکون پول برای تعلق عنوان زکات موضوعیت دارد، اما چون زکات عملی عبادی است و ملاک عبادت نیز باید در ملاک‌های دیگر (مثل رفع فقر، چرخش پول و پیوند بخش حقیقی و پولی) ترکیب شود، ازاین‌رو بعد از جرح و تعدیل، برای کسی که امکان انتفاع از پولش را ندارد و طبعاً عبادت بر او مقدور نیست (چون باید اول نفعی تصویر شود تا فرد از ۲/۵ درصد آن بگذرد)، معافیت زکاتی جعل و از این کشف می‌شود که ملاک عبادت در این موضوع خاص (امکان انتفاع) اقوی از ملاک‌های دیگر است. اگر اشکال شود که اصل شرط کردن قابلیت انتفاع صحیح است، اما نکته آن قصد قربت نیست؛ زیرا نکته معافیت زکات برای این شخص، امتنانی است؛ زیرا وجوب نفقه را خود شارع جعل کرده و خلاف امتنان است از کسی که غایب و مجبور است کنز پیش خانواده بگذارد، زکات بگیرد، پاسخ این است که معلوم نیست به مقدار نفقه واجب کنز کرده و شاید برای وسعت بر عیال به مقدار بیشتر از واجب کنز کرده باشد؛ البته استشهاد به روایت برای اثبات شرطیت قصد قربت نیز خلاف ظاهر است. ازاین‌رو به‌راحتی نمی‌توان روایت را حمل بر عدم امکان قصد قربت کرد؛ زیرا شاید در پرداخت زکات می‌توانست به خانواده خود وکالت دهد.

۳-۲-۳. نکات تکمیلی درباره تطبیق حکم زکات بر پول‌های امروزی

الف. پول امروز در قالب سپرده بانکی یا توکن‌های پرداخت متبلور است. ازاین‌رو تحلیل فقهی سپرده بانکی به قرض یا ودیعه و همچنین، تحلیل رابطه حقوقی بانک و سپرده‌گذار

در این موضوع ثمره‌ای ندارد و دور شدن از مسیر صحیح استدلال است. عرف امروز موجودی حساب بانکی را پول می‌داند. بنابراین، در صورت پذیرش وجوب زکات پول، سپرده‌های بانکی در صورت رسیدن به نصاب و یک سال دوره انجماد، مشمول وجوب زکات به میزان ۲/۵ درصد است.

ب. یکی از چالش‌های پرداخت زکات پول امروزی، تعیین نصاب برای آن است. نصاب درهم و دینار، ۲۰۰ درهم تعیین شده است درحالی‌که حتی اگر بتوانیم وزن نقره آن را محاسبه و به قیمت روز تبدیل کنیم، باز هم نصاب صحیحی نخواهد بود؛ زیرا نقره امروز غیرمسکوک است، اما نصاب روایت، شمش نقره نیست، بلکه نقره مسکوک است که ارزش متفاوتی دارد. به نظر می‌رسد بر اساس دیه و معادل‌های قیمتی عصر معصومین می‌توان به یک نصاب تخمینی رسید؛ همچنان‌که امروز در محاسبه دیه به پول رایج امروزی نیز همین مسیر طی می‌شود (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، صص. ۱۱۰-۱۰۹). شهید صدر معتقد است که شرط یک سال گذشتن از (انجماد) پول طلا و نقره برای تعلق زکات به‌خاطر شرایط آن زمان بوده است و ولی‌امر می‌تواند بر اساس اهداف نظام اقتصادی اسلام، این زمان را کم یا زیاد کند. وی این را تطبیق نظریه منطقه‌الفراغ خویش می‌داند (صدر، ۱٤۳٤ق، ج۵(۱)، ص. ۲۰۷).

پ. اگر امروزه زکات ولو با افزودن زکات پول، کفاف فقر فقرا را ندهد، به‌خاطر عدم تعادل اقتصاد است. موضوع روایاتی که نسبت فقرا را بیان می‌کند، جامعه‌ای با اقتصاد متعادل است. ازاین‌رو حالت‌های عارضی نیاز به داروی خاص دارد (یعنی به صرف اکتفا به منبع زکات، نمی‌توان جامعه‌ای را که از تعادل خارج شده است، فقرزدایی کرد) (اشرفی شاهرودی، ۱۳۹۹، ص. ۱۳۲). غرض یک حکم شرعی در فرض اقامه کامل حکم در شرایطی کار می‌کند که بقیه اجزای نظام اقتصاد اسلام نیز پیاده و محقق شده باشند.

۳-۳. طرح اشکال شمولیت قاعده نسبت به نظام پولی مدرن

برخی محققان قائل‌اند که نظام پولی مورد نظر اسلام برای چابک‌سازی تأمین مالی به‌جای تکیه بر «خلق اعتبار»، بر «افزایش سرعت گردش پول» تأکید دارد که این موضوع با وضع مالیات بر پول (زکات) دنبال می‌شود. در نظام پولی کنونی نگهداری پول بی‌هزینه است.

ازاین‌رو پول بی‌تحرک است. برای همین از خلق پول در نظام بانکی استفاده می‌شود (مظهر قراملکی، ۱٤۰۲، ص. ۱۰٦). برخی اشکال می‌کنند که تورم نیز پول را داغ می‌کند و موجب افزایش سرعت گردش می‌شود و ازاین‌رو تفاوتی با مالیات بر پول ندارد. پاسخ این است که اولاً، مالیات بر پول، هم آن را به جریان می‌اندازد و هم تأمین مالی را تسهیل می‌کند (به‌خاطر افزایش انگیزه نسبت به قرض دادن که موجب معافیت مالیات زکات می‌شود)، اما تورم قادر به تأمین هم‌زمان این دو نیست. ثانیاً، تورم نوعی هزینه–فرصت برای پول است، اما مالیات بر پول نوعی هزینه است که پژوهشگران رفتاری ثابت کرده‌اند که مردم نسبت به هزینه واکنش شدیدتری نشان می‌دهند. ثالثاً، تورم موجب تغییر قیمت‌های نسبی و کاهش سرمایه‌گذاری و رشد می‌شود. رابعاً، تورم آثار توزیعی مخرب نیز دارد، اما مالیات بر پول می‌تواند موجب کاهش نابرابری نیز شود. خامساً، مالیات بر پول انعطاف بیشتری با اهداف تنظیمی دارد، اما آثار تورم قابل مدیریت نیست (مظهر قراملکی، ۱٤۰۲، صص. ۱۲۵–۱۲٤).

٤. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادها

قاعده ارتباط و سیالیت با تکیه بر پنج مفهوم و هدف دینی و از طریق دو روبنای فقهی «حرمت رکود پول» و «وجوب زکات پول» ثابت شد. بر اساس این قاعده، نظام پولی مطلوب، به بخش واقعی اقتصاد متصل است، مبادلات را تسهیل می‌کند، بازار پولی مجزا از بخش حقیقی ندارد، از انجماد و رکود دور است و در خدمت رشد ثروت در بخش حقیقی است. در پیشینه پژوهش، بر لزوم پیوند بخش پولی و حقیقی تأکید شده بود، اما در این مطالعه، این موضوع به‌عنوان یک قاعده زیربنایی در نظام اقتصادی اسلام و بر اساس مستندات فقهی و با روش فقهی پیشنهادی شهید صدر (فقه‌النظریه) اثبات شد. پیشنهادهای سیاستی این قاعده را می‌توان در دو دسته کلی به‌ترتیب اولویت تبیین کرد.

۱. پیشنهادهای نهادی و سیاستی.
۲. پیشنهادهای مبتنی بر طراحی ابزار و فناوری.

٤-۱. پیشنهادهای نهادی و سیاستی

الف. ضرورت اصلاحات ساختاری و تغییر نگرش به پول: تحلیل‌ها نشان می‌دهد که سپرده‌گذاری پول در بانک‌ها، تضمین‌کننده ورود آن به چرخه تولید و سرمایه‌گذاری نیست، بلکه عمدتاً منشأ قدرت خلق پول برای نظام بانکی می‌شود که نحوه تخصیص آن به فعالیت‌های مولد یا غیرمولد، درنهایت، منوط به راهبردها و تصمیمات بانک‌هاست (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤، ص. ٥٦). در الگوی کنونی بانکداری (متکی بر خلق پول بر اساس مدل‌های متعارف)، سپرده‌گذاری پول در بانک‌ها لزوماً تضمین‌کننده ورود آن به چرخه تولید و سرمایه‌گذاری مولد نیست، بلکه به دلیل جدا بودن ماهیت نرخ بهره از سودآوری بخش حقیقی، این نظام پولی بیش از آنکه بر تولید متمرکز باشد، بر فرایند خلق پول و انتفاع مالی از آن متمرکز است. در این ساختار، نحوه تخصیص منابع به فعالیت‌های اقتصادی نه بر اساس «پیوند مستقیم و سیال با بخش حقیقی»، بلکه بر اساس «تضمین سود» صورت می‌گیرد. این در حالی است که بخش حقیقی اقتصاد همواره با مخاطرات و عدم قطعیت‌های ناشی از تولید و بازار مواجه است. ازاین‌رو زمانی که نظام پولی، بازدهی تضمین‌شده و بدون ریسک (بهره) را به سپرده‌گذاران عرضه می‌کند، سرمایه‌ها به‌جای ورود به بخش حقیقی پرمخاطره، به سمت بازارهای مالی با ریسک پایین‌تر متمایل می‌شوند. از سوی دیگر، پول نباید به‌عنوان کالایی برای ذخیره ارزش و سفته‌بازی (کنز) عمل کند، بلکه باید پیوسته در جریان مبادله باشد (مظهر قراملکی، ۱٤۰۲، ص. ٦). شکل‌گیری بازار مستقل برای پول جایز نیست؛ زیرا موجب می‌شود صاحبان سرمایه بدون ورود به بخش تولید سود کسب کنند و نقدینگی از بخش واقعی خارج شود (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۰، صص. ٦٨ و ٨١). بازار مستقل برای پول که سبب درآمدزایی از صرفِ عرضه و تقاضای آن می‌شود، در اسلام نامطلوب و در صورت تحقق ربا، کاملاً نامشروع است؛ زیرا نظام پولی نباید موجب قیمت یافتن پول خارج از بخش واقعی اقتصاد شود (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۲، صص. ۲٦۷-۲۹۹). منظور از بازار پول در اینجا، هر بازاری است که در آن از صرفِ تقاضا و عرضه پول، تعادل حاصل می‌شود حتی اگر مبادله میان پول نقد و اوراق بدهی صورت گیرد؛ زیرا اوراق صرفاً نشان‌دهنده پول در آینده هستند. این مفهوم با تعریف اقتصاددانان پولی مانند میشکین (Mishkin,

2019, p. 77) نیز قرابت بالایی دارد. میشکین بازار پول را محل دادوستد ابزارهای بدهی کوتاه‌مدت و اساساً کم‌خطر می‌داند. در واقع، ویژگی اصلی این بازار (چه در قالب اوراق بدهی کوتاه‌مدت و چه ابزارهای مالی دیگر)، مبادله پول نقد با پول آینده با ریسک نزدیک به صفر است. خلق بازدهی تضمین‌شده در چنین چرخه‌ای، پول را از بخش حقیقی اقتصاد جدا می‌کند و پویایی و سیالیت مورد نظر شریعت را از بین می‌برد. چپرا استدلال می‌کند که سفته‌بازی و تأمین مالی مبتنی بر بدهی، عامل جدایی قیمت‌ها از واقعیت‌های اقتصادی و شکنندگی سیستم هستند (Chapra, 1985, pp. 96-98 & 119) و بحران‌های مالی ناشی از عدم انضباط بازار و وام‌دهی بیش از حد در غیاب سیستم توزیع ریسک هستند (Chapra, 2008, pp.227-245). همچنین، «مالی‌سازی» و اهرم‌های بالا سبب جدایی این دو بخش و ایجاد بحران می‌شود (World Bank Group & Islamic Development Bank Group, 2016, pp. 58-59).

ب. گذار از سیاست‌گذار منفعل به مهندس جریان اعتبار: برای مقابله با این گسست، بانک مرکزی نمی‌تواند یک سیاست‌گذار منفعل باشد که تنها به مدیریت کل‌های پولی می‌پردازد، بلکه باید به کنشگری فعال در مهندسی جریان اعتبار بدل شود.

ضرورت این تغییر نقش از آنجا ناشی می‌شود که کنترل محض کل‌های پولی (مانند حجم نقدینگی) در غیاب نظارت بر جهت‌گیری اعتبارات، اثربخشی سیاست پولی را از بین می‌برد؛ زیرا پول خلق‌شده تمایل طبیعی به سمت بازارهای دارایی کم‌ریسک‌تر و پربازده‌تر (اما غیرمولد مانند املاک) دارد. این رویکرد که در ادبیات اقتصادی به‌عنوان «سیاست هدایت اعتبار»[1] شناخته می‌شود و تجربه موفقی در توسعه اقتصادی کشورهای شرق آسیا داشته، مبنای علمی این تحول ساختاری است. این نهاد موظف است از ابزارهایی مانند نسبت ذخیره قانونی هدفمند و سهمیه‌بندی اعتباری[2] به نفع بخش‌های تولیدی برای هدایت فعالانه پول به سمت بخش حقیقی اقتصاد بهره گیرد (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤، ص. ٥٦). از منظر قاعده ارتباط و سیالیت، مشروعیت خلق پول پدیدآمده توسط بانک‌ها، ذاتاً مشروط به اتصال آن به بخش واقعی است. ازاین‌رو بانک

---

1. Credit Guidance
2. Credit Ceiling

مرکزی به‌عنوان نماینده حاکمیت اسلامی، وظیفه صیانت از این مشروعیت را بر عهده دارد. براین‌اساس، سیاست‌گذاری پولی و خلق پول توسط بانک‌ها باید دقیقاً تابع ظرفیت رشد تولید و نیازهای بخش حقیقی تنظیم شود تا ضمن جلوگیری از تورم، نظام پولی در خدمت اقتصاد واقعی قرار گیرد (Chapra, 1985, pp. 189, 193 & 218). این تغییر نقش مستلزم بازنگری در اهداف میانی و شاخص‌های کنترلی بانک مرکزی است. برای‌مثال، بانک مرکزی باید سرعت گردش پول را نه‌تنها در سطح کلان، بلکه به تفکیک بخش‌های کلیدی اقتصاد (صنعت، کشاورزی و خدمات مولد) در مقایسه با بخش‌های غیرمولد (مانند سفته‌بازی در بازار املاک) رصد کند. کاهش سرعت گردش پول در بخش‌های مولد، یک زنگ خطر سیاستی است (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤، ص. ۵۷).

٤-۲. پیشنهادهای مبتنی بر طراحی ابزار و فناوری

الف. طراحی ابزارهای ایجابی: اتصال بخش پولی به بخش واقعی از چند طریق محقق می‌شود. ۱. عقود مبادله‌ای (مانند مرابحه) که در آن نرخ سود، قیمت کالاست نه بهره پول (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، ص. ۲۰)، ۲. عقود مشارکتی که سود تابع بازدهی واقعی پروژه و تقسیم سود و زیان است (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، ص. ۲۹)، ۳. سرمایه‌گذاری مستقیم که بانک رأساً اقدام به اجرای طرح‌های تولیدی می‌کند (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، ص. ۱۹) و ٤. خرید (تنزیل) دین (در صورت جواز فقهی) که فقط در دیون ناشی از معاملات تجاری واقعی صورت می‌گیرد (نظرپور و علیا، ۱۳۹۳، ص. ۲۷) و بخش پولی را کاملاً متصل و تابع بخش واقعی نگه می‌دارد (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۰، ص. ۸٤). مدل مطلوب تأمین مالی به‌جای وام‌دهی، بر محور مشارکت در سهام و بازدهی واقعی پروژه‌ها استوار است تا سرنوشت سرمایه‌گذار مستقیماً به عملکرد بخش تولید گره بخورد (Chapra, 1985, pp. 68 & 108). استانداردهای مالی اسلامی با تمرکز بر معاملات تجاری و اوراق بهادار مبتنی بر دارایی (صکوک)، برخلاف سیستم‌های متعارف که صرفاً مدیریت ریسک مالی دارند، مستقیماً رفاه مشترک و رشد اقتصادی پایدار را تضمین می‌کنند (World Bank Group & Islamic Development Bank Group, 2016, pp. 188-196).

ب. طراحی ابزارهای سلبی: افزون‌بر راهکارهای ایجابی، دولت و حاکمیت باید مانع «کنز» و «سفته‌بازی» شوند. فریدی پیشنهاد می‌کند که چون بانک‌ها ممکن است به خلق اعتبار مازاد گرایش داشته باشند، دولت اسلامی می‌تواند «مالیات‌های تنبیهی تبعیض‌آمیز» بر سرمایه‌گذاری‌ها و کسب‌وکارهایی که آثار بی‌ثبات‌کننده دارند، وضع کند (Faridi, 1983, pp. 29-30). همچنین، وضع مالیات بر «سفته‌بازی» و پول‌های راکد (زکات)، هزینه خروج نقدینگی از بخش تولید را افزایش می‌دهد (شفیعی‌نژاد و آقانظری، ۱٤۰۰، ص. ۸٤). نتایج مدل شبیه‌سازی عامل‌محور نشان می‌دهد که حذف بهره و اعمال مالیات بر پول راکد از طریق مکانیزم خودسامان تحریک تقاضا، مانع نشت پول از چرخه اقتصاد و سبب افزایش تولید ناخالص داخلی و کاهش بیکاری می‌شود (مظهر قراملکی، ۱٤۰۲، ص. ۱۹۱). در دهه اخیر این رویکرد در قالب «سیاست نرخ بهره منفی» توسط بانک مرکزی اروپا[1] و بانک ژاپن[2] (در برهه‌هایی) به‌عنوان ابزاری برای فرار از تله رکود عملیاتی شد تا بانک‌ها و سپرده‌گذاران بزرگ ناچار شوند به‌جای انجماد منابع در حساب‌های امن بانک مرکزی، اعتبارات خود را به بخش حقیقی و تولیدی تزریق کنند، اما به دلایل مختلف به شکست انجامید؛ زیرا نرخ‌های منفی به نرخ وام‌های خانوار و شرکت‌ها منتقل نشد (Bech & Malkhozov, 2016). همین امر حاکی است که ابزارهای سلبی بدون بهره‌گیری از ابزارهای ایجابی و فناوری‌های نوین به سیالیت پول نمی‌انجامد.

پ. بهره‌گیری هوشمندانه از فناوری‌های نوین و افق‌های پیش رو: پیاده‌سازی چنین سیاست‌گذاری فعالی نیازمند زیرساخت اطلاعاتی پیشرفته است. امروزه با ظهور فناوری‌های نوین مالی و به‌ویژه پول دیجیتال بانک مرکزی، امکان رصد آنی و دقیق تراکنش‌ها و مهندسی جریان اعتبار به شکل هدفمند فراهم شده است. این فناوری‌ها اجرای راهکارهایی مانند پیاده‌سازی فناورانه ایده «مالیات گزل» برای اعمال هزینه بر پول راکد (سپرده‌های بانکی) و جلوگیری از کنز سیستمی را کاملاً امکان‌پذیر و راه را برای رسیدن به نرخ بهره منفی و از بین بردن کامل رانت پول هموار می‌کند (امیدوار و همکاران، ۱٤۰٤،

---

1. ECB
2. BOJ

ص. ۵۷). تجربه بانک مرکزی چین در توسعه «یوان دیجیتال»[1] نشان می‌دهد که با استفاده از پول‌های دیجیتال برنامه‌ریزی‌پذیر[2]، حاکمیت پولی می‌تواند اعتبارات را به‌طور هوشمند کدگذاری کند تا این اعتبارات تنها در چرخه‌های تولیدی بخش حقیقی گردش کنند و امکان ورود آن‌ها به بازارهای سوداگرانه (مانند املاک و مستغلات) مسدود شود.

۵. موانع عملیاتی‌سازی قاعده در نظام پولی و بانکی ایران

تحقق قاعده زیربنایی «ارتباط و سیالیت» در اقتصاد ایران، با چالش‌ها و موانع ساختاری عمیقی ازجمله موارد زیر روبه‌روست.

۱. چسبندگی نرخ‌های سود و پدیده ناترازی[3] ساختاری بانک‌ها: یکی از اصلی‌ترین موانع، وجود ناترازی در ترازنامه شبکه بانکی ایران است. بانک‌های ناتراز برای بقا و جلوگیری از ورشکستگی، ناچار به جذب نقدینگی جدید از طریق رقابت در افزایش نرخ سود سپرده‌ها هستند. این سازوکار نوعی چسبندگی رو به بالا در نرخ سود سپرده ایجاد می‌کند که بازدهی تضمین‌شده، بالا و بدون ریسکی را به پول راکد اعطا می‌کند. طبق قاعده سیالیت، این پاداش‌دهی به سکون پول، انگیزه سرمایه‌گذاری در بخش حقیقی پرمخاطره را از بین می‌برد؛ البته تعیین دستوری نرخ سود بانکی و نرخ تسهیلات پرداختی به مشتریان که با واقعیت و نتیجه فعالیت اقتصادی تناسبی ندارد و نتیجه برخورد یک‌کاسه با تمام وجوه است، موجب تثبیت نرخ بهره مقطوع در نظام بانکی می‌شود (عیوضلو و کریمی ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۱۰).

۲. ماهیت درون‌زای خلق پول و غلبه سفته‌بازی بر اعتبارات: در نظام بانکی ایران، خلق پول به‌صورت درون‌زا و عمدتاً از طریق اعطای تسهیلات به بخش‌های غیرمولد، شرکت‌های زیرمجموعه خود بانک‌ها یا تمدید تسهیلات معوق صورت

---

3. e-CNY
4. Programmable Money

۵. ناترازی بانکی: ناترازی در ادبیات بانکی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن، ارزش دارایی‌های یک بانک (شامل تسهیلات اعطایی، سرمایه‌گذاری‌ها و مطالبات) به دلیل انجماد دارایی‌ها، مطالبات غیرجاری (معوقات) یا کاهش ارزش، برای پوشش بدهی‌های آن (شامل سپرده‌های مردم و بدهی به بانک مرکزی) کفایت نکند. در این وضعیت، بانک دچار ناترازی جریان نقدینگی (عدم تکافوی وجوه نقد برای پاسخ به تقاضای سپرده‌گذاران) و کاهش نرخ کفایت سرمایه می‌شود.

می‌گیرد. این شیوه از خلق اعتبار هیچ پیوند وثیقی با رشد بخش حقیقی (تولید کالا و خدمات) ندارد. به دلیل بازدهی‌های ناشی از تورم ساختاری در بازارهای دارایی (املاک، ارز و طلا)، اعتبارات بانکی به‌جای سیالیت در بخش تولید، به سمت این بازارهای سوداگرانه نشت می‌کند و به گسست بخش پولی از حقیقی دامن می‌زند. از طرف دیگر، اقتصاد ممکن است از طریق تکثیرکنندگان و افزایش‌دهندگان اعتبار با گسترش اعتبارات بدون پشتوانه روبه‌رو شود. نرخ بهره ممکن است از نرخ طبیعی بهره فاصله بگیرد و سبب افزایش سفته‌بازی و رکود دارایی‌ها شود. سفته‌بازی خود منجر به تولید بدهی نامحدود می‌شود. وقتی که رکود پدید می‌آید، نکول را به دنبال خود می‌آورد؛ زیرا بدهی‌ها بر اساس دارایی‌های مالی به وجود آمده بودند که هیچ وثیقه واقعی نداشته‌اند. در نظام مالی متعارف، بانک‌ها حتی با وجود مقرراتی مانند بازل، شرایط ذاتی ثبات ترازنامه را رعایت نمی‌کنند (عیوضلو و کریمی ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹).

۳. نبود زیرساخت تفکیک حساب‌ها و نظارت هوشمند بر معاملات: عملیاتی‌سازی قاعده سیالیت نیازمند آن است که بانک مرکزی بتواند جریان اعتبار را تا اصابت به هدف نهایی در بخش حقیقی رصد کند. در حال حاضر ابزارهای نظارتی بانک مرکزی ایران عمدتاً متمرکز بر «کل‌های پولی» و نظارت‌های پسینی نمایشی (مانند فاکتورهای صوری در عقود مبادله‌ای) است. خلأ زیرساخت‌های فناوری برای تفکیک تراکنش‌های معاملاتی از تراکنش‌های سفته‌بازانه، مانع وضع جریمه‌ها و مالیات‌های تنبیهی بر پول‌های راکد یا مواضع سوداگری می‌شود؛ البته ارکان دیگر حاکمیت مانند وزارت صمت یا سازمان امور مالیاتی نیز غالباً فاقد ابزارهای نظارتی لازم در بخش سوداگری هستند که ناشی از اقتصاد سیاسی و قدرت بازیگران و ذی‌نفعان این بخش است (برای مثال، عدم تمکین برخی اصناف نسبت به صدور صورت‌حساب الکترونیک). همچنین، بر اساس شناخت صحیح از اقتصاد و تقسیم وظایف و نقش نهادی بانک‌ها، استفاده از ابزارهای مالی اسلامی با الزامات ویژه خود تعریف می‌شوند. شایسته است که نهاد تنظیم‌گر یا رگولاتور بانکداری با ایجاد واحدهای

تخصصی و از طریق استقرار سیستم یکپارچه و دیجیتال، بر اجرای صحیح فرایندهای اجرایی عقود اسلامی و قراردادهای بانکی نظارت و محدودیت‌های ویژه‌ای را بر اساس بانکداری اسلامی به‌ویژه برای عقود مشارکتی تعریف کند (عیوضلو و کریمی ریزی، ۱۳۹۷، ص. ۳۲).

کتابنامه

قرآن کریم.

ابن حیون، نعمان‌بن‌محمد (۱۳۸۵). *دعائم‌الاسلام* (به کوشش آصف فیضی). ج۲، چاپ ۲، مؤسسه آل‌البیت (ع).

اشرفی شاهرودی، مصطفی (۱۳۹۹). *زکات پول‌های رایج* (به تقریر سعید رمزی). حوزه علمیه خراسان.

امیدوار، محسن، کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی و عربی، سیدهادی (۱٤۰٤). «حرمت فقهی رکود پول و دلالت‌های آن برای سیاست‌های پولی». *جستارهای اقتصادی با رویکرد اسلامی*، ۲۲ (٤۷)، صص. ۳۵-٦٤.

جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۷۷). *رسائل فقهی*. مؤسسه نشر کرامت.

حر عاملی (شیخ)، محمدبن‌حسن (۱٤۰۹ق). *وسائل‌الشیعة*. ج۹، ۳۰ ج، مؤسسه آل‌البیت (ع).

شفیعی‌نژاد، عباس و آقانظری، حسین (۱٤۰۰). «بررسی احکام پول و دلالت‌های آن بر طراحی نظام پولی». *جستارهای اقتصادی ایران*، ۱۸ (۳۵)، صص. ٦۷-۸۷.

شهیدی‌پور، محمدتقی (۱۳۹۹). *درس محرمات* (سال تحصیلی ۱۳۹۸-۱۳۹۹). بازیابی شده از https://shahidipoor.ir.

شهیدی‌پور، محمدتقی (۱٤۰۰). *درس محرمات* (سال تحصیلی ۱۳۹۹-۱٤۰۰). بازیابی شده از https://shahidipoor.ir.

شهیدی‌پور، محمدتقی و معتمدی، مهدی (۱٤۰۱). *فقه پول*. مؤسسه انتشارات حوزه‌های علمیه.

صدر، سیدکاظم (۱۳٦۹). «پول و سیاست‌های پولی در صدر اسلام». *تحقیقات اقتصادی*، (٤۲)، صص. ۱-۲۳.

صدر، سیدمحمدباقر (۱٤۱۷ق). *اقتصادنا*. مرکز النشرالتابع لمکتب الاعلام‌الاسلامی.

صدر، سیدمحمدباقر (۱٤۳٤ق). *موسوعةالشهیدالسیدمحمدباقر الصدر*. ج ۵، قسم ۱ ، ۲۱ج، دارالصدر.

طوسی (شیخ)، محمدبن‌حسن (۱۳۹۰ق). *الاستبصار*. ج۲، ٤ج، دارالکتب‌الاسلامیة.

طوسی (شیخ)، محمدبن‌حسن (۱٤۰۷ق). *الخلاف*. ج٤، دفتر انتشارات اسلامی.

عیوضلو، حسین. (۱۳۸۷). «اصول و مبانی نظام پولی در اقتصاد اسلامی». *فصلنامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی*، ۸ (۲۹)، صص. ۳۵-٦۲.

عیوضلو، حسین، رضایی صدرآبادی، محسن و نوری، جواد (۱٤۰۰). «تحلیل فقهی-اقتصادی مبانی، اصول و چهارچوب کلان نظام پولی اقتصاد اسلامی». *دوفصلنامه علمی تحقیقات مالی اسلامی*، ۱۰ (۲)، صص. ٤٤۵-٤۹٤.

عیوضلو، حسین و کریمی ریزی، مجید (۱۳۹۷). «اصول موضوعه و راهبردهای بانکداری اسلامی در چهارچوب نظام اقتصادی اسلام». فصلنامه علمی-پژوهشی اقتصاد اسلامی، ۱۸ (۷۱)، صص. ۵-۳۵.

قائنی، محمد، کریمی‌نیا، محمدمهدی و قنادمعتمدی، محمد (۱۳۸۵). *زکات پول‌های رایج و اشیای نوپیدا*. مرکز فقهی ائمه اطهار (ع).

مدرسی طباطبایی، سیدمحمدرضا (۱٤۰۱). *فقه حقوق و اعتبارات مالی*. مرکز مدیریت حوزه علمیه.

مرتضی عاملی، جعفر (۱٤۰۸ق). *السوق فی ظل‌الدولةالاسلامیة*. الدارالاسلامیة.

مظهر قراملکی، مهدی (۱٤۰۲). *طراحی نظام پولی مبتنی بر چهارچوب نهادهای اسلامی و مقایسه آن با مکتب سرمایه‌داری* (رساله دکتری). دانشگاه مفید، قم.

مظهر قراملکی، مهدی، یوسفی شیخ‌رباط، محمدرضا و الهی، ناصر (۱٤۰۲). «معیارهای ارزیابی فهم ادله لفظی در فقه معاملات». *فقه و اجتهاد*، ۱۰ (۱۹)، صص. ۳۵-٥٤.

منتظری، حسینعلی (۱٤۰۹ق). *کتاب الزکاة*. ج۱، ٤ج. المرکزالعالمی للدراساتالاسلامیة.

نظرپور، محمدنقی و علیا، میترا (۱۳۹۳). «تحلیل چگونگی ارتباط بانکداری اسلامی با بخش حقیقی اقتصاد». *فصلنامه اقتصاد و بانکداری اسلامی*، (٦)، صص. ۷–۳۸.

هاشمی شاهرودی، سیدمحمود (۱٤۳۲ق). *کتاب الزکاة*. ج۲، ٤ج. مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی.

Al-Hurr al-Amili, M. H. (1408 AH/1988). Wasa’il al-Shia (Vols. 1–30). Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic].

Al-Tusi, M. H. (1390 AH/1970). Al-Istibsar (Vols. 1–4). Dar al-Kutub al-Islamiyyah. [In Arabic].

Al-Tusi, M. H. (1407 AH/1987). Al-Khilaf. Islamic Publications Office. [In Arabic].

Ashrafi Shahroudi, M. (1399 SH/2020). Zakat of fiat money (S. Ramzi, Transcr.). Khorasan Seminary. [In Persian].

Bech, M. L., & Malkhozov, A. (2016, March). How have central banks implemented negative policy rates? BIS Quarterly Review, 35–47.

Chapra, M. U. (1985). Towards a just monetary system. The Islamic Foundation.

Chapra, M. U. (2008). The global financial crisis: Can Islamic finance help minimize the severity and frequency of such a crisis in the future? Journal of Islamic Civilisation and Renewal (ICR), 1(2), 227–245.

Eivazlou, H. (1387 SH/2008). Principles and foundations of monetary system in Islamic economics. Islamic Economics, 8(29), 35–62. [In Persian].

Eivazlou, H., & Karimi Rizi, M. (1397 SH/2018). Axioms and strategies of Islamic banking within the framework of Islamic economic system. Islamic Economics, 18(71), 5–35. [In Persian].

Eivazlou, H., Rezaei Sadrabadi, M., & Nouri, J. (1400 SH/2021). Jurisprudential-economic analysis of the foundations, principles, and macro-framework of the monetary system in Islamic economics. Islamic Financial Research, 10(2), 445–494. [In Persian].

Faridi, F. R. (1983). Theory of fiscal policy in an Islamic state. Journal of Research in Islamic Economics, 1(1), 15–30.

Hashemi Shahroudi, S. M. (1431 AH/2010). Kitab al-Zakah (Vols. 1–4). Islamic Jurisprudence Encyclopedia Institute. [In Arabic].

Ibn Hayyun, N. M. (1427 AH/2006). Da'a'im al-Islam (A. Fyzee, Ed.; 2nd ed., Vols. 1–2). Ahl al-Bayt Institute. [In Arabic].

Jafari Tabrizi, M. T. (1377 SH/1998). Jurisprudential treatises. Keramat Publishing Institute. [In Persian].

Mazhar Qaramelki, M. (1401 SH/2023). Designing a monetary system based on the framework of Islamic institutions and comparing it with the capitalist school (Doctoral dissertation, Mofid University). [In Persian].

Mazhar Qaramelki, M., Youssefi Sheikh-Rabat, M. R., & Elahi, N. (1401 SH/2023). Criteria for evaluating the understanding of textual evidence in transaction jurisprudence. Fiqh and Ijtihad, 10(19), 35–54. [In Persian].

Modarresi Tabatabaei, S. M. R. (1401 SH/2022). Jurisprudence of rights and financial credits. Management Center of Islamic Seminaries. [In Persian].

Mishkin, F. S. (2019). The economics of money, banking, and financial markets (12th ed., Global Edition). Pearson.

Montazeri, H. A. (1408 AH/1988). Kitab al-Zakah (Vols. 1–4). World Center for Islamic Studies. [In Arabic].

Mourtada al-Amili, J. (1407 AH/1987). Al-Suq fi Zill al-Dawlah al-Islamiyyah. Al-Dar al-Islamiyyah. [In Arabic].

Nazarpour, M. N., & Olya, M. (1393 SH/2014). Analysis of how Islamic banking relates to the real sector of the economy. Journal of Islamic Economics and Banking, 6, 7–38. [In Persian].

Omidvar, M., Kazemi Najafabadi, M., & Arabi, S. H. (1404 SH/2025). Jurisprudential prohibition of money stagnation and its implications for monetary policies. Economic Essays with Islamic Approach, 22(47), 35–64. [In Persian].

Qaeni, M., Kariminia, M. M., & Ghannad Motamedi, M. (1385 SH/2006). Zakat of fiat money and novel subjects. The Jurisprudential Center of Pure Imams (A.S). [In Persian].

Sadr, S. K. (1369 SH/1990). Money and monetary policies in early Islam. Tahqiqat-e Eqtesaadi, 42, 1–23. [In Persian].

Sadr, S. M. B. (1417 AH/1996). Iqtisaduna. Islamic Propagation Office Publishing Center. [In Arabic].

Sadr, S. M. B. (1433 AH/2012). Encyclopedia of Martyr Sayyid Muhammad Baqir al-Sadr (Vols. 1–21). Dar al-Sadr. [In Arabic].

Shafiei Nejad, A., & Nazari, H. A. (1400 SH/2021). Investigating the rules of money and its implications for monetary system design. Iran's Economic Essays, 18(35), 67–87. [In Persian]

Shahidipoor, M. T. (1399 SH/2020). Prohibited actions course (Academic year 2019–2020). https://shahidipoor.ir [In Persian].

Shahidipoor, M. T. (1400 SH/2021). Prohibited actions course (Academic year 2020–2021). https://shahidipoor.ir [In Persian].

Shahidipoor, M. T., & Motamedi, M. (1401 SH/2022). Jurisprudence of money. Islamic Seminaries Publishing Institute. [In Persian].

World Bank Group, & Islamic Development Bank Group. (2016). Global report on Islamic finance 2016: Islamic finance: A catalyst for shared prosperity?